

نگاهی به مهم ترین دلایل کاهش قیمت نفت

بی ثباتی بازار از ترکش های جنگ نفتی عربستان

■ پیش بینی عرضه و تقاضا

آژانس بین المللی انرژی سه شنبه ۲۲ مهر در گزارشی اعلام کرد رشد تقاضای جهانی برای نفت در سال ۲۰۱۵ نسبت به پیش بینی های گذشته این آژانس کمتر خواهد بود. در این گزارش آمده است که به نظر می رسد کاهش اخیر قیمت نفت بر عرضه و تقاضا تأثیر داشته است. ادامه روند کاهش قیمت ها می تواند بر روند عرضه تأثیر گذارد، اما برای تغییر روند قیمت ها تقاضا باید افزایش یابد. گفتنی است قیمت نفت برای سومین ماه متوالی در ماه سپتامبر روند کاهشی را طی کرد و قیمت نفت دریای شمال موسوم به برنت به کمترین میزان طی چهار ماه گذشته و بشکه های ۸۸ دلار در ماه اکتبر به دلیل عرضه فراوان، کاهش تقاضا و افزایش ارزش دلار رسید. قیمت نفت برنت در پای شمال از ماه ژوئن نزدیک به ۲۰ درصد کاهش یافته است. در حالی که در این ماه، بحرآن عراق قیمت نفت را تا ۱۶ دلار در هر بشکه رسانده بود. این در حالی است که آژانس بین المللی انرژی برآوردهای خود را برای رشد تقاضا در سال ۲۰۱۴ نزدیک به ۲۰۰ هزار بشکه در روز کاهش داد و به روزی ۷۰۰ هزار بشکه در روز رساند. این آژانس همچنین پیش بینی کرد تقاضا برای نفت در سال ۲۰۱۵ با رشد یک میلیون و یکصد هزار بشکه ای رو به رو شده و به روزی ۹۲ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز برسد. هر چند این میزان رشد ۱/۲ درصدی را نشان می دهد اما از پیش بینی های گذشته ۳۰۰ هزار بشکه در روز کمتر است.

■ تگرش های متفاوت

به گفته تحلیلگران، هر چند قیمت های پایین تر نفت در سه ماهه دوم سال ۲۰۱۴ باید به افزایش تقاضا در بازار منجر می شد، اما چشم انداز منفی اقتصاد جهانی همچنان بر روند تقاضا تأثیر دارد. در همین حال عرضه جهانی نفت در ماه سپتامبر تقریباً روزی ۹۱۰۰ هزار بشکه افزایش یافت و به روزی ۹۲ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه رسید که اعضای سازمان کشورهای صادر کنندگان نفت موسوم به اوپک و دیگر تولید کنندگان نفت در افزایش عرضه تأثیر داشتند. مجموع عرضه در مقایسه با سال گذشته ۲ میلیون و ۹۲ هزار بشکه افزایش یافت. براساس گزارش آژانس بین المللی انرژی، تقاضا برای نفت اوپک در سال ۲۰۱۵ با کاهش روزی ۲۰۰ هزار بشکه به روزی ۲۹ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه می رسد. این میزان نزدیک به روزی یک میلیون بشکه ای نفت از تولید فعلی اوپک است. انتظار می رود کشورهای عضو اوپک در تصمیم گیری کنند. گفتنی است عبدالله البدری، دبیر کل اوپک در شامید چهارمین نشست تروری امنیت تأمین داشته که بر گزاری هیچ نشست اضطراری اوپک بررسی نشده و پیش بینی می شود که قیمت های نفت تا پایان امسال بهبود یابد. این در حالی است که این مسئله نگرانی برخی کشورهای نفتی را برانگیخته است. از جمله وزیر نفت نروژ از کاهش قیمت های نفت و تأثیر آن بر سطح سرمایه گذاری های بخش انرژی این کشور ابراز نگرانی کرد. وی تصریح کرد نگرانی اصلی بخش انرژی این است که چنانچه شرکت های خدماتی مانند دهمه ۱۹۹۰ به طور دائم ظرفیت خود را کاهش دهند، نمی توانند با بالا رفتن دوباره قیمت های نفت، افزایش تقاضا را تأمین کنند.

■ نقش منفی عربستان

به گفته کارشناسان نفتی، برای جلوگیری از کاهش قیمت نفت، اعضای اوپک باید تولید خود را کاهش می دادند. در این میان، تنها عربستان بود که می توانست با کاهش معنی دار تولید نفت خود قیمت ها را کنترل کند. اما عربستان سعودی به دلایل مختلف از این کار امتناع کرده است. نخست اینکه، سعودی های بیش از هر زمان دیگری به پول نفت شان نیاز دارد. ملک عبدالله برای سرمایه گذاری ۵۰۰ میلیارد دلاری به منظور ایجاد زیرساخت های عربستان تا سال ۲۰۲۰ برنامه ریزی کرده است. مسئله دوم اینکه هزینه توسعه میدان نفتی عربستان بالا رفته است و بدون این سرمایه گذاری ها امکان حفظ ظرفیت تولید ۱۲ میلیون بشکه ای اش فراهم نیست. مسئله سوم اینکه مصرف برق عربستان از ۲۰۰ تراوات ساعت به ۴۰۰ تراوات ساعت افزایش پیدا کرده و سعودی ها برای استفاده از انرژی هسته ای ۵۰ میلیارد دلار کنار گذاشته اند.

به نظر می رسد عربستان «استراتژی افزایش سهم بازار» (Market Share) را در پیش گرفته و در این راستا تلاش های خود را متمرکز کرده است. در واقع عربستان با فرصت طلایی با توجه به ظرفیت مزادی که دارد، سهم بازار دیگر کشورهای را تصاحب می کند. پیشتر قیمت های عربستان ۸ میلیون بشکه بود که در حال حاضر به حدود ۱۰ میلیون بشکه نفت رسیده است. بنابراین ۲ میلیون بشکه سهم بازار را در اختیار گرفته که این سهم مربوط به کشورهای دیگر بوده است. به عبارتی کشوری که به هر نحوی دچار مشکل شده و نتوانستند نفت خود را صادر کنند، اینک عربستان و چند کشور دیگر سهم بازار آنها را گرفته اند. این مسئله اهم از آن بوده که این سهم اضافه به طور طبیعی به وجود بیاید یا سهم دیگر کشور ها باشد. برای مثال عراق، لیبی و ایران به دلیل بحران های پیش آمده نتوانستند ظرفیت های صادراتی خود را به کار بگیرند، از این رو عربستان به دلیل مزاد تولید، سهم بازار بیشتری را به دست می آورد. تلاش عربستان برای سهم بیشتر بازار مربوط به برهه فعلی نیست بلکه چندین سال است که استراتژی سهم بازار را در پیش گرفته است. درواقع عربستان و چند کشور دیگر استراتژی سهم بازار را دنبال کرده اند. مشکل اساسی این رویکرد این است که وقتی کشوری که به دلایل مختلف نتوانسته بودند صادرات نفتی داشته باشند، به بازار با می گردند، عربستان و چند کشور دیگر باید سهم آنها را پس بدهند که معمولاً مقاومت کرده و به سادگی سهم گرفته شده را پس نمی دهند. از این رو نیاز به تلاش گسترده ای برای پس گرفتن سهم بازار به وجود می آید. به نظر می رسد

عربستان با افزایش تولید خود، درصدد افزایش سهم بازار بوده و با ارائه بسته های رقابتی در قبال رقیبای خود برای مشتریان آسیایی، یعنی فروش نفت با تخفیف، درصدد است تا بازار دیگر کشورها از جمله ایران را نیز تصاحب کند. این در حالی است که به گفته کارشناسان نفتی، بی تفاوتی عربستان در قبال کاهش قیمت های جهانی نفت، اقتصاد کشورهای مانند ایران، روسیه و ونزوئلا را بیش از پیش با مشکل مواجه خواهد کرد. به نظر می رسد عربستان با توجه به سه متغیر یعنی به چالش کشیدن رقیبایی مانند ایران و صنعت نوظهور نفت شیل آمریکا، لزوم کسب در آمد بیشتر (زیرا پایین آمدن قیمت ها به معنای فروش نفت بیشتر است) و عمیق بودن اختلاف نظرها در اوپک، تحرکات خود در حوزه انرژی را ضرورت می دهد. در حال حاضر عربستان خود را در بسیاری از مسائل منطقه ای و بین المللی درگیر کرده و تعهداتی برای خود به وجود آورده که هزینه بر است. در این راستا به ویژه کمک به ایجاد گروه های تروریست کفگیر ی تأمین سلاح و تأمین هزینه نیروی انسانی آنها، موجب افزایش هزینه های عربستان شده است. از این رو این کشور ناچار به تأمین هزینه های خود از جای دیگر است و جایی بهتر از نفت نیز وجود ندارد. از این رو با افزایش تولید، درآمدهای خود را افزایش می دهد تا از ظرفیت مالی بالایی بر خوردار باشد. ظرفیت بالای مالی این امکان را برای عربستان فراهم می آورد تا در تعامل با قدرت های بین المللی، اهداف منطقه ای و بین المللی خود را دنبال کند. در مجموع ظرفیت بالای مالی عربستان به خاطر افزایش تولید نفت بوده که اکنون درگیر مسائل منطقه ای و بین المللی پر هزینه ای شده است.

■ اعتراض و ونزوئلا

روند کاهشی بهای نفت با اعتراض برخی از کشورهای عضو اوپک مانند ونزوئلا مواجه شده که خواهان برگزاری نشست فوق العاده اوپک برای چاره اندیشی دربار روند کاهشی بهای نفت شده اند. رافائل رامیرز وزیر خارجه ونزوئلا شنبه ۱۹ مهر در یک کنفرانس خبری اظهار داشت که ونزوئلا خواستار برگزاری نشست اضطراری اوپک است. رامیرز با توجه به روند کاهشی بهای نفت در ماه های گذشته اظهار داشت سقوط قیمت نفت به دلیل تولید بیش از اندازه برخی از کشورهای تولید کننده نفت است. وی هشدار داد کاهش بهای نفت به کمتر از ۱۰۰ دلار برای هر بشکه، برای هیچ کشوری مناسب نخواهد بود و به همین دلیل به همکاری کشورهای صادر کننده نفت برای ممانعت از کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی نیاز است. رامیرز تأکید کرد شرایط فعلی نه به دلیل شرایط بازار نفت، بلکه به منظور ایجاد مشکل برای تولید کنندگان بزرگ نفتی ایجاد شده است. این در حالی است که بهای نفت برنت به دلیل عرضه مازاد و کاهش تقاضا با توجه به ابهامات و تردیدها دربار ه وضعیت اقتصاد جهانی، در هفته منتهی به ۲۵ مهر ماه به کمترین مقدار خود ظرف چهار سال گذشته رسیده است.

■ دیدگاه های متفاوت

روند کاهشی بهای نفت در ماه های اخیر با وجود اوضاع ناآرام خاورمیانه و سه ویژه عراق کنه از تولید کنندگان عمده نفتی اوپک محسوب می شود، برشش های زیادی



رویکرد
احمد کاظم زاده

روز چهارشنبه (۲۳مهر ماه ۹۳) دادگاهی در ریاض پایتخت عربستان (که مسئولیت رسیدگی به اتهامات تروریستی را برعهده دارد) حکم اعدام شیخ نمر النمر را به اتهاماتی چون «تافرمانی از حاکم» و «حمل سلاح» صادر کرد. وی در ژوئیه ۱۲۰۷ طی یک عملیات مسلحانه نیروهای امنیتی عربستان از پایین تنه و ناحیه پا به شدت زخمی شد و به بیمارستان نظامی ریاض انتقال یافت و اگر چه روند محاکمه وی از مارس ۲۰۱۳ آغاز شده و وی تا پیش از صدور حکم اعدام ۱۳ بار در برابر دادگاه نیز حاضر شده بود اما در واقع حکم مجازات پیش از آغاز محاکمه صادر شده بود و همین که از همان ابتدا به وی اتهام «کمک به تروریست ها» یا «مشار به پا خدا» زده شد (که حکم اعدام دارد) یا همین که وی در دادگاه رسیدگی به جرائم تروریستی محاکمه شد (اگر واقعاً بشود اسم محاکمه روی آن گذاشت) مشخص بود که حکم اعدام پیشاپیش برای وی صادر شده و دادگاه به ظاهر قضایی (عملاً سیاسی) ریاض فقط در پی زمانی مناسب برای صدور حکم بود.

براین اساس یکی از نکات قابل تأمل دربار ه صدور حکم اعدام شیخ نمر النمر مرجع شیعیان مناطق شرقیه عربستان مقطع زمانی آن است که دست کم از دو جهت قابل بررسی

کاهش تولید تنها هار ممکن برای بالا بردن دوباره بهای نفت است. عده ای دیگر از کارشناسان نیز بر این باورند که با توجه به روند کاهشی بهای نفت از ماه ژوئن تاکنون، قیمت نفت بار دیگر به مرور بالا خواهد رفت.

■ جمع بندی

روند کاهش بهای نفت هر چند در ابتدا سه ویژه برای مصرف کنندگان مثبت به نظر می رسد اما در بلندمدت تبعات ناگواری برای آنها نیز خواهد داشت. هر چند کاهش قیمت، موجب افزایش شمار مصرف کنندگان می شود اما این تنها در کوتاه مدت خواهد بود، زیرا در بلندمدت ریسک سرمایه گذاری برای تولید را افزایش داده و سرمایه گزاران نیز با احتیاط بیشتری اقدام به سرمایه گذاری می کنند. این مسئله در بلندمدت نه تنها کشورهای تولید کننده نفت را با مشکل مواجه می کند، بلکه با کاهش عرضه نفت سه دلیل کاهش سرمایه گذاری را باعث می شود تا بهای نفت در آینده به میزان قابل ملاحظه ای افزایش یابد. بدین ترتیب هر چند تأثیر کاهش قیمت نفت برای کشور مصرف کننده مثبت است، زیرا چنانچه نفت با کاهش ۲۰ درصدی قیمت عرضه شود، در واقع حدود ۲۰ درصد هزینه های واردات نفت این کشور مصرف کننده کاهش می یابد و این به اقتصاد کشورهای مصرف کننده کمک می کند تا هزینه کمتری برای واردات بپردازند، اما اثرات مثبت این کاهش قیمت حتی برای کشورهای مصرف کننده نیز کوتاه مدت محسوب می شود زیرا در بلندمدت، روی سرمایه گذاری ها اثر منفی می گذارد. سرمایه گزاران عموماً در حالت ثبات اقتصادی و پیش بینی قیمت نفت اقدام به سرمایه گذاری می کنند ولی زمانی که بازار نفت با نوسان ۲۰ درصد کاهش قیمت مواجه شود، به طور طبیعی سرمایه گزار ها با احتیاط بیشتری اقدام کرده

و سرمایه گذاری خود را به تعویق می اندازند. این مسئله روی امنیت انرژی این منفی می گذارد، زیرا با توجه به لزوم تزییق مداوم سرمایه در صنایع نفتی برای اطمینان از ادامه روند اکتشاف، استخراج و صدور نفت، اگر اکنون مبادرت به سرمایه گذاری در بخش های مختلف نفتی نشود، می توان پیش بینی کرد تا چند سال دیگر عرضه نفت با محدودیت های زیادی مواجه شود. بنابراین کوتاه بینانه خواهد بود اگر این تصور وجود داشته باشد که با کاهش قیمت نفت، مصرف کنندگان سود می برند زیرا احتمالاً ناچار خواهند شد تا در بلندمدت، چند برابر آن را بپردازند. بنابراین ثبات در بازار نفت تنها گزینه ای است که هم تولید کنندگان نفتی هم سرمایه گزاران در بخش نفت و هم مصرف کنندگان نفتی می توانند با آرامش به فعالیت های خود بپردازند و با سرمایه گذاری ها طی پنج دهه آینده با اطمینان خاطر بیشتری به نیازها ی نفتی پاسخ دهند. اکنون شرایط به وجود آمده نوعی ی نظامی را بر بازار نفت حاکم کرده است و ضروری به نظر می رسد هر چه زودتر ثبات قیمتها به بازار نفت باز گردد. به عقیده بر خشی کارشناسان اکنون نظریه «انتظار» به عنوان نظریه به غالب در بازار نفت می تواند

تحولات آن را تبیین و پیش بینی کند. بر اساس این نظریه به انتظار تا بازار نفت است که قیمت های کنونی و آینده آن را مشخص می سازد. بنابراین باید انتظارات به گونه ای یلمان باید که این انتظار در بازار شکل بگیرد که برخی کشورهای نفتی درصدد بهبود شرایط و قیمت ها و توقف روند نزولی بهای نفت هستند. اگر بازار این مسئله را باور کند، در این صورت انتظارات معکوس می شود، به عبارتی دیگر قیمت ها روند صعودی به خود می گیرند. در واقع یکی از مهم ترین اقداماتی که هم تولید کنندگان و صادر کنندگان اوپک و هم کشورهای نفتی غیر اوپک باید انجام دهند این است که انتظارات بازار را معکوس کنند، به عبارتی بهتر این انتظار که قیمت ها کاهش یابند و کشورهای نفتی در رقابت برای فروش بیشتر باشند، معکوس شود. اگر چنین سناریویی محقق شود در این صورت انتظارات مثبت مثبت شده و در نهایت بهای نفت سیر صعودی پیدا خواهد کرد. در این راستا تشکیل زود هنگام نشست اوپک و نیز تبادل نظر و جلسات کشورهای نفتی و اعلام مواضع کشورهای تولید کننده و صادر کننده نفت درباره لزوم توقف روند کاهشی قیمت نفت و افزایش دوباره بهای آن می تواند بستر مناسبی را برای شکل گیری انتظارات مثبت نفتی به وجود آورد.

حکم اعدام شیخ نمر و رادیکالیزه شدن عربستان مقابل ایران ریشه ای مشترک دارد

طغیان ریاض مقابل موازنه جدید منطقه ای

ضد ایرانی اخیر سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان علیه ایران (در متهم کردن آن به مداخله در سوریه، عراق و یمن و کسب این نتیجه که ایران بخشی از مشکل بحران های منطقه ای نه راحل آن) نیز مؤثر بوده است از این رو می توان از صدور حکم اعدام برای شیخ نمر النمر که دارای پیوند معنوی و مذهبی با ایران بوده است، به عنوان مکمل اظهارات سعود الفیصل نیز ارزیابی کرد. از این دید، عربستان در دور جدید تحركات خصمانه خود نه علیه ایران بلکه علیه شیعیان خیز برداشته است و بر همین اساس یکی از نتایج این تحركات نسنجیده تحریک احساسات میلیون ها شیعه ساکن در منطقه و جهان است که می تواند آثار و نتایج پیش بینی نشده ای برای عربستان در پی داشته باشد. اقدامات نسنجیده عربستان از این جهت نیز قابل نقد است که خواسته های ناخواسته برای داعش حاشیه امن ایجاد می کند که این درست با سیاست اعلامی آن در مقابله با داعش در تناقض و تعارض است. زیرا تجربه نشان داده است که رشد و تقویت گروه های تکفیری به عنوان موتور فعالیت های تروریستی جدید کاملاً با تلاش های مربوط به جنگ شیعه و سنی در ارتباط است و به شدت از آن تأثیر می پذیرد. زیرا در مواقعی که چنین فضایی بر منطقه یا در برخی از کشورها حاکم بوده خیلی از کشورهای غربی چشم خود را به روی افراد و گروه های افراط گر سنی بسته اند و حتی همچنان که در عراق، سوریه و لبنان دیده شد کوشیده اند این افراد و گروه ها را در راستای اهداف سیاسی مورد نظر خود هدایت و مدیریت کنند. این بدین مفهوم است که برای مبارزه با داعش و بنیادی با داعش و دیگر گروه های تکفیری تقویت روابط دوستانه در وهله اول میان سنی ها و شیعیان و در وهله دوم میان ایران و عربستان (رهبری سیاسی) و شیعیان و سنی ها را نمایندگی می کنند) بسیار ضروری است اما آنچه در این میان سؤال برانگیز است و در عین حال یکی دیگر از خطاهای راهبردی عربستان را تشکیل می دهد، این است که عربستان در زیر پرچم مبارزه با داعش بی سرو صدا و خواسته یا ناخواسته به خصومت با ایران و شیعیان در



منطقه دامن می زند و با متهم کردن ایران به دخالت نظامی در کشورهای منطقه و ادعای اینکه ایران بخشی از مشکل است نه راحل، به طور ضمنی رویکرد بر خورد با ایران را تجویز می کند و مانع از ادامه روند عادی سازی روابط با ایران می شود و در همان حال با صدور حکم اعدام شیخ نمر النمر از مراجع شیعه این کشور که در عین حال از محبوبیت بالایی در میان شیعیان دیگر کشورهای منطقه برخوردار است موجب تحریک و اعتراض آنها را فراهم کرده است و در صورتی که این حکم مورد تجدیدنظر قرار نگیرد دامنه اعتراضات از مناطق شرقیه عربستان فراتر رفته به دیگر کشورها و مناطق در منطقه کشیده خواهد شد.

با در نظر گرفتن جمع شرایط و فاکتورها می توان گفت بهترین و کم هزینه ترین راه برای عربستان برای علیه بر چالش های پیش رو به خصوص مهار خطر داعش (که با اعلام خلافت اسلامی این کشور به رقیب سرسخت ایدئولوژیک برای آینده وهابیت تبدیل شده است) درس گرفتن از تجارب گذشته، به خصوص برهیز از دامن زدن به اختلافات شیعی و سنی یا تسلیح مخالفان دولتی سوریه است که در این صورت زمینه های بهبود و عادی سازی روابط میان تهران و ریاض نیز بیش از پیش فراهم خواهد شد. با توجه به اینکه خطر داعش اکنون برای هر دو کشور روابط در عربستان مسجل شده لذا بازنگری عربستان در دیگر سیاست های خصمانه خود علیه ایران و سوریه می تواند امکان استفاده از این خطر مشترک را در جهت نزدیکی روابط دو کشور فراهم کند. در این صورت بسیاری از خلأ های کنونی در ائتلاف ضد داعش نیز بر طرف شده و به کار آمدی آن کمک خواهد کرد. بر این اساس می توان گفت توف بهبود یا تشدید تنش روابط در زمین عربستان است که با توسل به اقدامات خصمانه جدید همچون تسلیح مخالفان سوریه، ایتام سازی علیه ایران و صدور حکم اعدام برای شیخ نمر النمر به بازی جدید در عرصه تنش زایی در منطقه و در روابط میان تهران- ریاض دست زده است.